

آینه پژوهش

سال سی و ششم، شماره چهارم
مهر و آبان ۱۴۰۴
ISSN:1023-7992

دوماهنامه نقد کتاب، کتاب‌شناسی و
اطلاع‌رسانی در حوزه فرهنگ اسلامی

۲۱۴

۲۱۴
دوماهنامه
آینه پژوهش

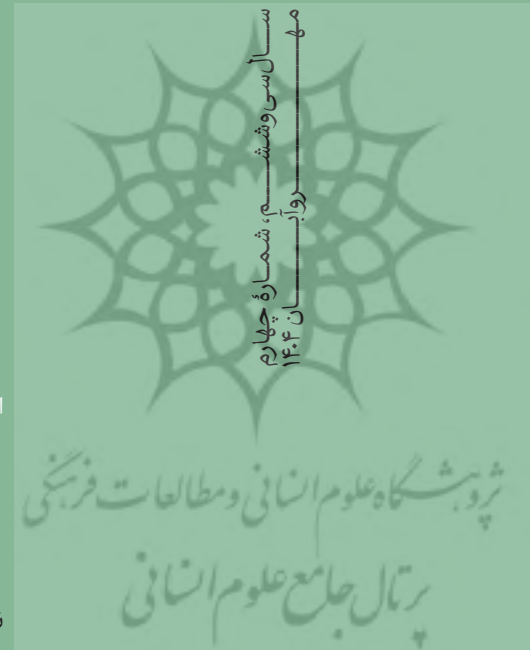
Ayeneh-ye- Pazhoohesh

Vol.36, No.4 Oct - Nov 2025

A bi-monthly journal exclusively
review & information dissemination

214

dedicated to book critique, book
in the field of Islamic culture



ابلیا گرشویج / سید احمد رضا قائم مقامی | رسول جعفریان | سید علی میرافضلی | فاطمه شاملو | مریم حسینی
لیلا عبدی خجسته / سمیع الله | عبدالجبار رفاعی / محمد سوری | مجید جلیسه | امید طبیب‌زاده
الیو برانکافورته / روزبه مصاحب | سید محمد حسین حکیم | آنتونیو پانایینو / لیلی وهرام
امیرخانی | حیدر عیوضی | زکی نجیب محمود / حمیدرضا تمدن | آریا طبیب‌زاده | رقیه فراهانی
حمید عطائی نظری | میلاد بیگدلو | علی راد | سیدرضا باقریان موحد | علی ایمانی ایمنی | جویا جهانبخش

لقبی اشکانی در سرود جان و اشاره‌ای به اصل لغت سارویه و سابقه نام تخت جمشید
نسخه خوانی (۴۲) | احمدشاد غزنوی و صدر کرمانی | محبوبیت سفرنامه‌های فرنگ ناصرالدین شاه در
هندوستان متّحده | از نگاه عربی: متفکران معاصر ایران و جهان عرب (۳)
چاپ نوشت (۲۱) | سلسله مباحث نظری در باب تاریخ ادبیات، براساس آرای رنه ویک (۳)
سخنان حکمت‌آمیز زبان فارسی در سفر به غرب | وقفنامه‌ای از آخرین روزهای زندگی شیخ بهایی
دو گزارش نجومی از کارنامه اردشیر بابکان (۳: ۴-۷؛ ۴: ۶-۷) | ماجرا کم‌کن؛ گزارش بیتی از حافظ
آینه‌های شکسته (۱۱) | داستان احیای اندیشه فلسفی در مصر | یادداشت‌های لغوی و ادبی (۶)
اشعار تازه‌یاب از شاعران دوره قاجار با استناد به نشریات آن عصر | «و سخت عجب است کار گروهی از
فرزندان آدم!» | کتابی با عنوان حاصل الترجمان؟ | طومار (۱۳) | فیض گفتار نجف

کتاب‌شناسی دبیرستان البرز تهران

نکته، حاشیه، یادداشت

پیوست آینه پژوهش: ♦ قنیه‌الفتیان

♦ یادنامه استاد موسی اسوار



پرتال
دوماهنامه
آینه پژوهش

Jap.isca.ac.ir

آینه‌های شکسته (۱۱)

گرایش به ترجمه مفهومی در هزاره نو

عضو هیئت علمی پژوهشگاه قرآن و حدیث قم | حیدر عیوضی

| ۲۷۹ - ۲۸۵ |

۲۷۹

آینه پژوهش | ۲۱۴

سال ۳۶ | شماره ۴

مهر و آبان ۱۴۰۴



چکیده: این شماره از «آینه‌های شکسته» به لحاظ محتوا در ادامه شماره نهم از این مجموعه قرار دارد که بر ترجمه هزاره نو متمرکز است. بخش اول این مقاله به بررسی پنج مثال می‌پردازد که عبارت‌اند از: خروج ۱۰: ۲۶؛ دوم سموئیل ۲۳: ۲۰؛ اول پادشاهان ۷: ۲۳؛ ارمیا ۹: ۴؛ امثال ۲۲: ۱۱؛ در پرتو مقایسه با دیگر ترجمه‌ها از یک‌سوی و مباحث زبان‌شناختی در متن مبدأ از سوی دیگر، به نظر می‌رسد هر اندازه که در ترجمه قدیم وفاداری به متن اصلی اهمیت دارد، هزاره نو به سمت یک ترجمه مفهومی و روان متمایل است. در بخش دوم، معادل‌گذاری برای یک کنایه در مزامیر ۱۰: ۱۴۷ بررسی می‌شود. چنین می‌نماید که با وجود تحولات در ترجمه‌های فارسی، جای خالی قاموس‌های فنی (مانند گزنیوس) همچنان مشهود است.

کلیدواژه‌ها: ترجمه هزاره نو، ترجمه مفهومی، ترجمه قدیم، ترجمه معادل، گزنیوس.

Broken Mirrors (11): The Tendency toward Conceptual Translation in the Millennium Version
Heydar Eyvazi

Abstract: This installment of Broken Mirrors continues the discussion presented in the ninth issue of the series, both of which focus on the Millennium Persian Bible translation. The first section examines five examples-Exodus 10:26; 2 Samuel 23:20; 1 Kings 7:23; Jeremiah 9:4; and Proverbs 22:11. Through comparison with other translations on one hand, and linguistic analysis of the source text on the other, it appears that whereas the older translation emphasizes fidelity to the original wording, the Millennium version leans toward a more conceptual and fluent rendering. The second section analyzes the rendering of an idiom in Psalm 147:10. The discussion suggests that despite the developments seen in recent Persian translations, the absence of specialized lexicons (such as Gesenius) remains noticeable.

Keywords: Millennium translation; conceptual translation; old translation; equivalent rendering; Gesenius.



پروہشگاہ علوم انسانی و مطالعات فرہنگی
پرتال جامع علوم انسانی

درآمد

شماره نهم از مجموعه مقالات آینه‌های شکسته^۱ بیشتر بر ترجمه هزاره نو متمرکز بود؛ این شماره نیز در ادامه آن قرار دارد. مقاله حاضر در دو بخش تدوین شده است؛ بخش نخست ذیل عنوان «گرایش به ترجمه مفهومی در هزاره نو» به بررسی پنج مورد می‌پردازد. و در بخش دوم با تکیه بر قاموس‌های عبری توراتی مشخصاً فرهنگ گزنیوس معادل‌گذاری برای یک کنایه بررسی می‌شود.

الف) گرایش به ترجمه مفهومی در هزاره نو

خروج ۱۰: ۲۶

مواشی ما نیز با ما خواهد آمد، یک سُمی باقی نخواهد ماند زیرا که از اینها برای عبادت یهوه، خدای خود می‌باید گرفت، و تا بدانجا نرسیم، نخواهیم دانست به چه چیز خداوند را عبادت کنیم.

دامهایمان را نیز باید با خود ببریم؛ حتی یک سُم نیز نباید اینجا بماند. زیرا باید از آنها برای پرستش یهوه خدای ما استفاده کنیم، و تا به آنجا نرسیم نخواهیم دانست کدام یک را باید برای عبادت خداوند تقدیم کنیم.

حتی گله‌های ما با ما خواهند آمد و یک رأس نیز نخواهد ماند، چه از آنها بهر پرستیدن یهوه خدای خویش برخواییم گرفت؛ و خود ما تا به آنجا نرسیم، نخواهیم دانست یهوه را چه سان پرستش کنیم.

... Denn wir wissen nicht, womit wir dem HErrn dienen sollen, bis dass wir dahin kommen. Luther 1912

... and we know not with what we must serve the LORD, until we come thither. Webster

... تا بدانجا نرسیم، نخواهیم دانست به چه چیز خداوند را عبادت کنیم. and we shall not know with what we are to worship יהוה until we arrive there.” JPS 2006

این آیه در بخش پایانی از گفت‌وگوی موسی و فرعون قرار دارد؛ کوتاه آنکه پس از بلایای نه‌گانه، فرعون به قوم عبرانی اجازه خروج از مصر را داد، البته بی‌آنکه مواشی خود را همراه براند (۱۰: ۲۴). در جواب، در این آیه موسی تأکید می‌کند که همه مواشی خود را به همراه خواهند برد، به طوری که حتی یک سُم حیوان نیز باقی نماند؛ محل بحث عبارت پایانی این آیه که در متن عبری

۱. آینه پژوهش، شماره ۲۱۲، خرداد و تیر ۱۴۰۴، صفحه ۳۳۷-۳۴۵.

چنین است לָאֵלֹהִים לֹא יִלְבַּד אֶת־יְהוָה ת.ت.: «نخواهیم دانست به چه چیزی یهوه را عبادت کنیم». و همانطور که ملاحظه می‌شود در عمده ترجمه‌های فوق، از جمله ترجمه قدیم به طور دقیق منعکس شده «... و تا بدانجا نرسیم، نخواهیم دانست به چه چیز خداوند را عبادت کنیم».

اما عبارت «به چه چیزی خداوند را عبادت کنیم» در زبان مقصد، فارسی نامفهوم است؛ نظر به اینکه عبادت اصلی در دنیای باستان، از جمله در عهد عتیق تقدیم قربانی بوده از یک سو، و بافت آیه که سخن از همراه داشتن مواشی است از سوی دیگر، عبارت به مصداق قربانی اشاره دارد. به عبارتی، این جمله علت تأکید موسی بر به همراه بردن همه مواشی را بیان می‌کند، یعنی ما نمی‌دانیم (پس از خروج از مصر) یهوه کدام یک از آنها را به عنوان قربانی تعیین خواهد کرد.^۱ به این ترتیب، ما باید همه مواشی را به همراه ببریم. ملاحظه می‌شود که عبارت ترجمه هزاره نو در زبان فارسی برای مخاطب درک‌پذیر و مفهوم‌تر است: «و تا به آنجا نرسیم نخواهیم دانست کدام یک را باید برای عبادت خداوند تقدیم کنیم».

۲ سموئیل ۲۳: ۲۰

ترجمه قدیم ... دو پسر اریئیل موآبی را کشت ...

هزاره نو ... او دو پهلوان* موآبی را از پا درآورد ...

سیار ... که جان دو پهلوان (*) موآب را گرفت

... der schlug zwei Helden der Moabiter ...

Luther 1912

... دو یل موآبی را به زمین زد ...

واژه اریئیل در ترجمه قدیم معادل אֲרִיאֵל/ari'el، به عنوان یک اسم ترکیبی به معنی «شیر خدا» است، و استعاره از «پهلوان، یل» می‌باشد. این ترکیب در مواضع اشعیا در توصیف اورشلیم نیز به صورت «شهر شیران خدا» استفاده شده؛^۲ این موضوع در پاورقی ترجمه سیار نیز مورد توجه بوده است.^۳ به این ترتیب، گویا معنی آن برای مترجمان ترجمه قدیم روشن نبوده است. تعجب آنکه، ترجمه هزاره نو هرچند در اینجا بهتر عمل کرده اما پاورقی آن به صورت «معنی واژه عبری روشن نیست» مایوس‌کننده است.

1. Gesenius, 598.

2. Gesenius, 78.

۳. متن پاورقی: «واژه آریل ariel که در اینجا به پهلوان ترجمه شده است، به معنی «شیر خدا» است».

اول پادشاهان ۷: ۲۳

ترجمه قدیم
و دریاچه ریخته شده را ساخت که از لب تالیش ده ذراع بود و از هر طرف مدور بود، و بلندیش پنج ذراع و ریسمانی سی ذراعی آن را گرداگرد احاطه داشت.
هزاره نو
و حوضی گرد از برنج ریخته شده ساخت که قطر آن از لبه تالیه، ده ذراع و عمق آن پنج ذراع بود ...
سیار دریا (*) را از آهن ریختگی بساخت ...

این آیه در ادامه توصیف قصر سلیمان قرار دارد؛ در این قسمت جزئیات اندازه و شکل یک حوضچه را ترسیم می‌کند. در متن عبری *בְּיָמֵי יָאָמ* قس. *יָמ* «دریا» آمده، اما این واژه به طور مبالغه به حوضچه‌های بزرگ نیز اطلاق می‌شود، از جمله در اینجا! برای پایه، ترجمه آن همواره به دریا استوار نیست. در پاورقی ترجمه سیار نیز هرچند به این نکته به این صورت «این مخزن بزرگ آب تطهیر کننده بوده است» اشاره شده، اما در متن نیامده!

ارمیا ۹: ۴

ترجمه قدیم
... و به هیچ برادر اعتماد ننمایید زیرا هر برادر از پا درمی‌آورد و ...
هزاره نو / تفسیری
... چون برادران هم فریبکارند ...
JPS 2023
زیرا هر [خواهر -] برادری سوء استفاده می‌کند ...
... for every sibling takes advantage...

در متن عبری با یک ترکیب مسجع به صورت *כִּי כָל-אָחַי לְאָחִיב יִלְקָח/בִּלְקֹחַב 'āqob ya 'āqob* ' *ki kol 'āh* مواجهیم. فعل مورد بحث از ریشه *לִקַּח/בִּלְקַח* ' *qb*، فراوان در تورات به معنی «فریب دادن» به کار رفته است؛ از جمله در سخنان عیسو در مورد یعقوب «به درستی که نام او یعقوب است. زیرا دو بار مرا فریب داد: اول حق نخست‌زادگی مرا گرفت، و اکنون نیز برکت مرا گرفته است...» (پیدایش ۲۷: ۳۶). و به طور برجسته در ارمیا «دل از همه چیز فریبنده‌تر است و بسیار مریض است کیست که آن را بداند؟» (۹: ۱۷).

ترکیب «از پای درآوردن» در ترجمه قدیم غلط نیست، ولی ارتباط دوری با مفهوم «فریب دادن» در متن مبدأ دارد. اما چرا در ترجمه مذکور از این معادل استفاده شده است؟ پاسخ به این پرسش می‌تواند یکی از ویژگیهای منحصربفرد ترجمه قدیم را نمایان کند. البته آنچه در پی می‌آید یک تحلیل اولیه است، و محتملا با بررسی نمونه‌های مشابه بتوان تحلیل فنی‌تری ارائه داد.

ریشه فعلی *לִקַּח/בִּלְקַח* ' *āqab* «فریب دادن»، در پیوند ریشه‌شناختی با *עָقַב* «دنبال کردن، در پی کسی یا چیزی رفتن» در عبری است؛ این ریشه واژه‌های مشترکی نیز در این زبانها دارد مانند واژه

عَقَب به معنی «پاشنه (پا)» قس. *אָקעב/āqēb* که در تورات به معانی مختلفی چون «پاشنه پا» (پیدایش ۳: ۱۵)، «سُم، نعل» (پی ۴۹: ۱۷)، «ردپا» (مزامیر ۷۷: ۲۰) به کار رفته است. ارتباط معنایی «پاشنه» با «فریب دادن» به این صورت است که معنای اولیه این ریشه «دزدکی از پشت سر کسی درآمدن؛ تعقیب کردن» بوده، سپس در عبری به «گول زدن، فریب دادن» توسعه معنایی یافته است.^۱ برگردیم به ترجمه مورد بحث، چنین می‌نماید که پیشینه دانش زبان عربی تیم مترجمان، آنها را در ترجمه یک ریشه هم خانواده به استفاده از معادلی که متضمن عنصر یا بن‌مایه مشترک نیز باشد، سوق داده است.

ریشه *אָקעב/āqab* کاربردی‌های استعاری نیز در تورات دارد؛ اما در ترجمه قدیم معادلی کاملاً تحت اللفظی ارائه شده است؛ از جمله «پاشنه پا بلند کردن» استعاره از «قدرشناسی، بی‌وفایی»، «دشمنی کردن» در مزامیر ۴۱: ۹ [عبر. ۱۰]^۲

و آن دوست خالص من که بر او اعتماد می‌داشتم که نان مرا نیز می‌خورد، پاشنه خود را بر من بلند کرد.

ترجمه قدیم

... آنکه نان مرا می‌خورد،

هزاره نو

با من به دشمنی برخاسته است.

امثال ۲۲: ۱۱

هر که طهارت دل را دوست دارد و لبهای ظریف دارد، پادشاه دوست او می‌باشد.

ترجمه قدیم

آن که دوستدار پاکی دل و لطافت زبان است، از دوستی پادشاه برخوردار خواهد بود.

هزاره نو

اگر کسی پاکی قلب را دوست بدارد و سخنانش دلنشین باشد، حتی پادشاه نیز دوست او خواهد شد.

تفسیری

آن کس که دل‌های پاک را دوست می‌دارد،

سیار

و ملاطفت بر لبان دارد، پادشاه دوست او است.

این فراز دو ویژگی برای محبوب شدن نزد پادشاه را برمی‌شمرد؛ عبارت دوم در عبری به صورت *הַיְשָׁרִים הַשְּׂפָה הֵנן סֵפֶת לֵב* «ملاحت لب»، استعاره از «خوش صحبت، خوش محضر بودن» است؛

1. TDOT, 11/315-7.

2. TWOT, 2/692.

به عبارتی کسی که معاشرت با او ملأور نیست، بلکه مایه انبساط و فرح است؛ به تعبیر حییم שפתי הֶנְהֵן *šiphti hēn* «سخنان دلاویز».^۱ ترجمه قدیم در اینجا به سمت دیگری، شاید جمال‌شناسی متمایل است! ترکیب مذکور در مزامیر (۲: ۴۵) [عبر. ۳] نیز הֶנְהֵן בְּשִׁפְתוֹתֶיךָ *hēn bešephtotekā* تکرار شده که در ترجمه هزاره نو به این صورت منعکس شده است: «... و از لبانت بلاغت جاریست...».

ب) بررسی ترجمه یک کنایه

مزامیر ۱۴۷: ۱۰

| | |
|------------|--|
| ترجمه قدیم | در قوت اسب رغبت ندارد، و از ساقهای انسان راضی نمی‌باشد. |
| هزاره نو | از نیروی اسب خشنود نمی‌گردد، و ساقهای انسان پسندیده او نیست. |
| مژده | به قدرت اسبها علاقه‌ای ندارد و نیروی انسانها او را خشنود نمی‌سازد، |
| تفسیری | خداوند به نیروی اسب رغبت ندارد و قدرت انسان او را خشنود نمی‌سازد. |
| سیار | نه قدرت اسب را خوش می‌دارد، و نه ساق آدمی خشنودش می‌سازد. |

۲۸۵

آینه پژوهش | ۲۱۴
سال ۳۶ | شماره ۴
مهر و آبان ۱۴۰۴

واژه שֹׁאֵץ *šôq* قس. ساق به معنی «ساق، پا؛ ران» از واژه‌های مشترک سامی که در تنخ و قرآن نیز استفاده شده است. در این قسمت از مزامیر با توجه به بافت، ترکیب שֹׁאֵץ הָאִישׁ *šôqē hā'iš* «ساقهای آدم» در تناظر با «قوت اسب» به ترتیب کنایه از «پیاده نظام» و «سواره نظام» است.^۲

ملاحظه می‌شود که در چنین مواردی، متن مبدأ کماکان فراتر از طیف‌های ترجمه‌هاست، و همه آینه‌های شکسته نیز نمی‌توانند معنای مقصود را ترسیم کنند. به این ترتیب، در رابطه با متون کلاسیک علاوه بر ملاحظه ترجمه‌های مختلف مراجعه به قاموس‌های فنی و تفاسیر علمی نیز ضروری است.

ادامه دارد

۱. حییم الف، ۱۵۷.

2. Gesenius, 812.